



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی  
دانشکده زبانهای خارجی  
گروه زبان شناسی  
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
رشته زبان شناسی همگانی

موضوع:

تأثیر متغیر جنسیت زبانی و تحصیلات در کاربرد واژگان عمومی  
فرهنگستان

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر مریم ایرجی

استاد مشاور:

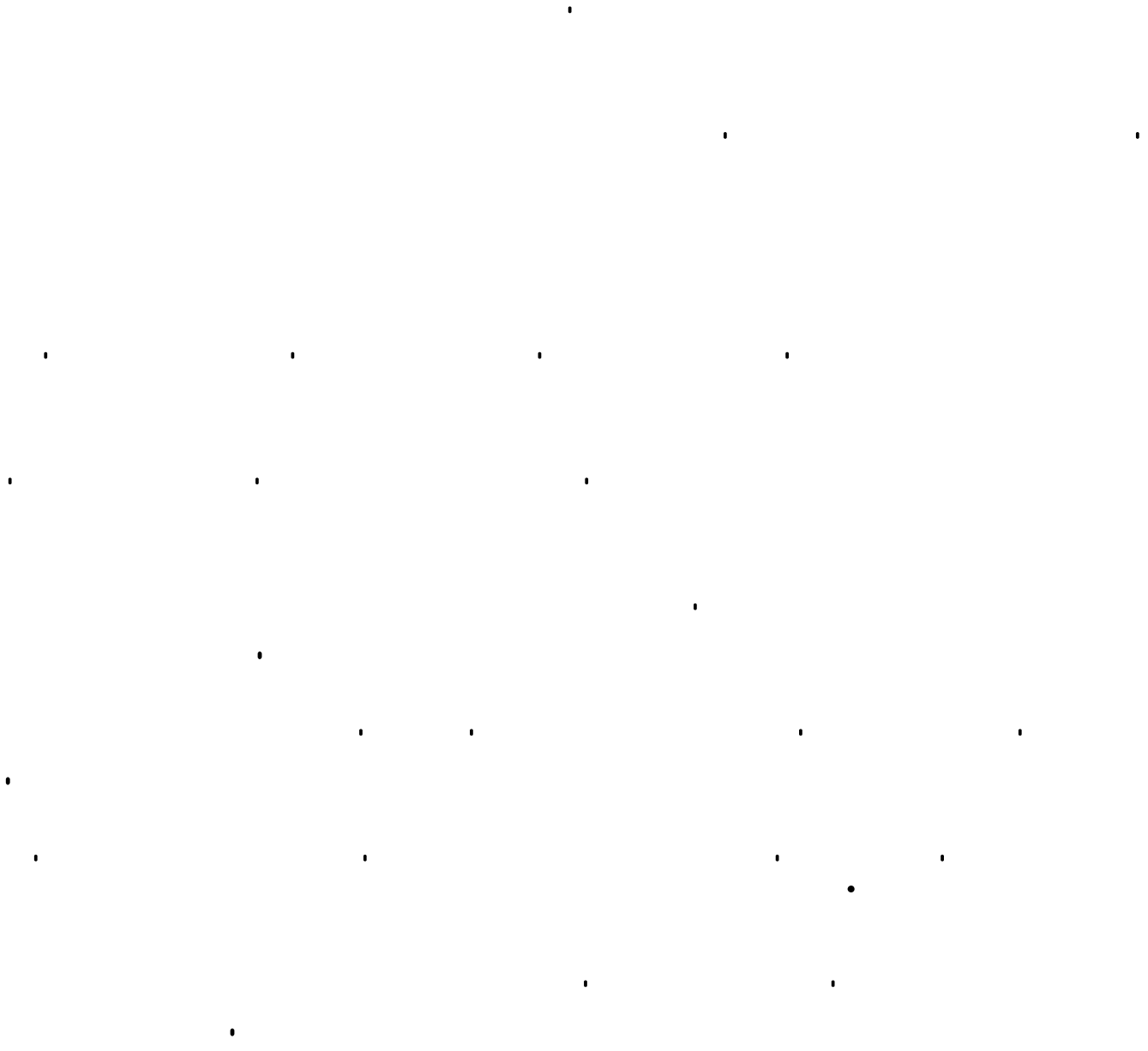
جناب آقای دکتر بهرام مدرسی

نگارش:

تینا چهارسوقی امین

بهار 91

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## سپاسگذاری

اکنون که در سایه الطاف بیکران پروردگار ، این تحقیق پایان پذیرفت بر خود لازم می بینم از تمامی عزیزانی که در این مهم به من یاری رساندند تشکر و قدردانی نمایم.

از زحمات استاد دلسوز و فداکار ، سرکار خانم دکتر ایرجی ، که زحمت راهنمایی بنده را در این راه تقبل نمودند، و با دقت و همت والا در تمامی مراحل هشیارانه به یاری من شتافتند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم. همراهی بی دریغ ایشان شایسته امتنان بی شائبه می باشد. امیدوارم تحقیق حاصله گوشه ای از زحمات این استاد فرزانه را جبران کرده باشد.

از جناب آقای دکتر مدرسی که با وجود مشغله فراوان زحمت مشاوره این تحقیق را تقبل نمودند و همواره الگوی تحصیلی اینجانب بوده اند، نهایت سپاسگذاری را دارم . از سرکار خانم دکتر مجیدی که با وجود ذیغ وقت و مشغله فراوان با دقت نظر بسیاری این تحقیق را مطالعه کرده و زحمت داوری این تحقیق را با شکیبایی و همراه با نظراتی سازنده متقبل شدند، نهایت سپاسگذاری را دارم.

از پدر و مادر عزیزم که با زحمات بی دریغ و خالصانه خود در تمامی مراحل تحصیل و دانش اندوزی ، راهنمای این مسیر بودند ،همراه با بوسه ای بر دستان پرمهرشان ، نهایت سپاسگذاری را دارم ؛چراکه بدون حمایت های استوارشان پیمودن این مسیر میسر نبود.

از تمامی عزیزانی که در مسیر این تحقیق اینجانب را یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

## چکیده:

در این پژوهش به بررسی تاثیر متغیر های اجتماعی همچون جنسیت زبانی و تحصیلات بر کاربرد واژگان عمومی فرهنگستان زبان و ادب فارسی پرداخته شده است. در حقیقت هدف این است که مشخص گردد آیا این دو متغیر اجتماعی در چگونگی کاربرد واژگان مصوب تاثیر دارد یا خیر و اینکه چه جنسی با چه سطح تحصیلی استفاده از کدام یک از این دو گروه، یعنی واژگان بیگانه وارد شده در زبان فارسی یا واژگان مصوب فرهنگستان، را برای صحبت کردن می پسندد. این پژوهش تلفیقی از دو روش کتابخانه ای و میدانی بوده است. در بخش کتابخانه ای به گردآوری و بررسی ادبیات نظری و عملی پرداخته شده است و در سطح میدانی نیز داده ها از طریق پرسشنامه و توسط 80 نمونه که شامل 40 زن و 40 مرد می باشند، فراهم آورده شده است. همچنین سطح تحصیلی افراد نیز دارای پراکندگی از دیپلم تا دکتری می باشد. بدین صورت که 114 کلمه بیگانه به همراه واژگان مصوب هر کدام در یک پرسشنامه 7 صفحه ای در اختیار نمونه قرار گرفته و از وی خواسته می شود واژه ای را که معمولاً استفاده می کند را انتخاب و دلیل انتخاب خود یا عدم انتخاب خود را ذکر کند. پس از بررسی داده ای حاصل از این جمعیت نمونه که به صورت تصادفی انتخاب شده اند، به توصیف تک تک این واژگان پرداخته و سرانجام داده ها را به صورت عددی و درصدی از کل در جدول ها به نمایش در آورديم و سپس برای سهولت بررسی نتایج را در نمودار های ستونی به تصویر کشیدیم. از نتایج بر آمده از داده ها این امر روشن شده است که میان زن و مرد در کاربرد واژگان بیگانه یا مصوب تفاوت بارزی به چشم می خورد چراکه زنان در سطح تحصیلی دکتری بیشترین آمار استفاد از واژگان مصوب را دارند. و هرچه سطح تحصیلی پایین می آید تمایل به کاربرد واژه بیگانه برای حفظ پرستیژ اجتماعی به خصوص در زنان بیشتر می شود. همچنین در سطح تحصیلی کارشناسی نیز زنان و مردان به صورت تقریباً مشترک از درصد بالایی از استفاده از واژگان بیگانه برخوردار هستند که علت آن را در زنان حفظ پرستیژ اجتماعی و در مردان انتقال راحت تر معنی می توان نام برد.

## فهرست عناوین

### فصل اول کلیات پژوهش

- 1-1 مقدمه..... 1
- 2-1 بیان مسئله..... 2
- 1-2-1 تحصیلات..... 3
- 2-2-1 جنسیت..... 5
- 3-1 اهمیت تحقیق..... 7
- 4-1 سوالات تحقیق..... 8
- 5-1 فرضیه تحقیق..... 8
- 6-1 تعریف واژگان کلیدی..... 9
- 7-1 محدودیت های تحقیق..... 10

### فصل دوم پیشینه پژوهش

- 1-2 مقدمه..... 12
- 2-2 مبانی نظری تحقیق..... 12
- 3-2 مبانی عملی تحقیق..... 21
- 2-3-1 مروری بر نظرات پژوهشگران خارجی..... 21
- 2-3-2 مروری بر نظرات پژوهشگران داخلی..... 28
- 4-2 بررسی نظریه های متغیر اجتماعی تحصیلات..... 36
- 5-2 نگاهی اجمالی بر فرآیند واژه گزینی و معادل یابی در فرهنگستان..... 39
- 1-5-2 زبان فارسی..... 40
- 2-5-2 واژه گزینی..... 41
- 3-5-2 منابع واژه گزینی..... 42
- 4-5-2 شیوه های واژه گزینی..... 46
- 1-4-5-2 برگزینش..... 46
- 2-4-5-2 نوگزینش..... 47
- 3-4-5-2 ساختن اصطلاح..... 47
- 1-3-4-5-2 واژه سازی..... 47
- 2-3-4-5-2 ساختن گروه نحوی..... 48
- 3-3-4-5-2 اختصار سازی..... 49
- 4-4-5-2 وام گیری..... 50

51..... 5-5-2 روش های معادل یابی

51..... 5-5-1 معادل یابی مفهومی

51..... 5-5-2 گرده برداری

53..... 5-6 ضوابط واژه گزینی

### فصل سوم روش پژوهش

62..... روش تحقیق

### فصل چهارم تجزیه و تحلیل داده های آماری

66..... 4-1 بررسی کیفی داده ها

111..... 4-2 بررسی کمی داده ها

### فصل پنجم نتیجه گیری

126..... 5-1 مقدمه

127..... 5-2 خلاصه پژوهش

129..... 5-3 بررسی فرضیه ها و نتیجه گیری

135..... 5-4 پیشنهادات برای تحقیقات آتی

136..... منابع

141..... پیوست





## 1-1 مقدمه

بررسی و مطالعه پدیده زبان از دیرباز مورد توجه و علاقه انسان بوده است. زبان‌شناسان در قرن هجدهم و نوزدهم بیشتر بر جنبه های تاریخی، ریشه شناختی<sup>1</sup> و تطبیقی<sup>2</sup> زبان تکیه کردند. اما در نیمه دوم قرن بیستم زبان‌شناسانی چون ویلیام لباو<sup>3</sup>، جاشوا فیش من<sup>4</sup> و پیتر ترادگیل<sup>5</sup> بر اهمیت عاملهای اجتماعی بر زبان تکیه ورزیدند و به این نتیجه دست یافتند که در یک جامعه زبانی، زبان توسط همه اعضای جامعه به شیوه کاملاً مشابهی استفاده نمی شود و در واقع گویشوران بر اساس برخی عوامل اجتماعی، زبان را به گونه ای مورد دخل و تصرف قرار می دهند تا نیازهای گوناگون آنان را تامین کند.

برخی زبان‌شناسان میان دو اصطلاح جامعه شناسی زبان<sup>6</sup> و زبان شناسی اجتماعی<sup>7</sup> تمایز قائل شده اند. هادسن<sup>8</sup> (1980: 4-5) معتقد است که در حوزه جامعه شناسی زبان، محقق به بررسی جامعه و ساختارهای اجتماعی می پردازند و در زبان شناسی اجتماعی به بررسی زبان و ساختارهای آن می پردازند. جامعه شناسان زبان مانند گامپرز<sup>9</sup>، فیشمن و پراید<sup>10</sup> به بررسی رابطه تنگاتنگی که بین زبان و ساخت اجتماعی و نظام ارزشی حاکم بر جامعه وجود دارد، پرداختند.

زبان و جنسیت حوزه ای جدید و جالب از تحقیقات است که در دهه های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. علاوه بر مطالعات دانشگاهی این موضوع مورد علاقه محققان، روزنامه نگاران، جامعه شناسان و... نیز بوده که همگی به زبان و تحولات ناشی از کاربرد آن توسط زنان و مردان علاقه داشته اند. زبان یک رفتار اجتماعی است. هر جامعه ای که به زبانی واحد تکلم می کنند ملزم به رعایت این رفتار است. گروههای موجود در جامعه نیز تابع قواعد کلی زبان آن جامعه هستند و با توجه به هنجارهای خاص خود به گزینش برخی از این قوانین می پردازند که از این میان این گزینش در واژگان و اصطلاحات زبان بسیار چشمگیر است.

---

<sup>1</sup> Etymological

<sup>2</sup> Comparative

<sup>3</sup> W. Labov

<sup>4</sup> J. Fishman

<sup>5</sup> P. Trudgill

<sup>6</sup> Sociolinguistics

<sup>7</sup> Sociology of language

<sup>8</sup> R. Hudson

<sup>9</sup> J. Gumperz

<sup>10</sup> J.B. Pride

بررسی و مطالعه پدیده زبان از دیرباز مورد توجه علاقه انسان بوده است. از نیمه قرن 20 به بعد زبانشناسانی مانند ویلیام لباو، جاشوا فیش من و پیتیر ترادگیل بر اهمیت تاثیر عامل های اجتماعی بر زبان تاکید ورزیدند. آنها با ارائه شواهدی نشان دادند که بین ساختار اجتماعی و ساختار زبان همبستگی نزدیکی وجود دارد. زبانشناسان و جامعه شناسان زبان به این نتیجه گیری رسیده اند که گویشوران بر اساس برخی عوامل اجتماعی، گونه های مختلف زبان را به طریقی مورد دخل و تصرف قرار می دهند تا نیازهای گوناگون آنها را در بافت های اجتماعی مختلف تامین کنند. عامل های اجتماعی مختلف از قبیل سن، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، تحصیلات، شغل و قومیت و ... در توزیع تنوع های زبانی دخیل اند که در اکثر مطالعات جامعه شناسان زبان لحاظ می شوند. مدرسی (1368: 3-4) می گوید: به نظر زبان شناسانی مانند لباو مطالعه و توصیف زبان که موضوع اصلی زبانشناسی است باید در بافت اجتماعی آن انجام گیرد و به واسطه خصلت اجتماعی زبان، نمی توان بدون توجه به متغیرهای اجتماعی گوناگون به بررسی کامل آن پرداخت. بنابراین بدون توجه به متغیرهای اجتماعی گوناگون مانند سن، جنسیت، شغل، سطح تحصیلات، روابط افراد و ... نمی توان ادعا کرد که به توصیفی کامل از زبان دست یافته ایم.

## 1-2 بیان مسئله

از ویژگی های ذاتی زبان می توان به ویژگی پویایی آن اشاره نمود که این مشخصه با قرار گرفتن در بستر جامعه و گروه های اجتماعی مختلف از لحاظ جنسیتی، طبقه اجتماعی، تحصیلاتی، گروه های سنی و ... جنبه های گوناگونی به خود می گیرد. مدرسی (1368: 170) معتقد است: «مطالعات انجام شده نشان می دهد که به طور کلی، زنان نسبت به رفتار زبانی خود، بیش از مردان حساسیت دارند و همین حساسیت، آنان را پیشرو تغییرات زبانی در جهت گسترش ویژگی های معتبر کرده است، زیرا زنان با حساسیت خود نسبت به ویژگی های زبانی معتبر، بیشتر آنان را به کار می گیرند و به سبب نقش مهمتری که در آموزش زبان به فرزندان خود دارند، این ویژگی ها را با سهولت و سرعت بیشتری به نسل بعد انتقال می دهند. از سوی دیگر، همین حساسیت سبب گشته است که زنان رفتار زبانی

محافظه کارانه تری داشته باشند و از صورتهای جدید و یا غیر معتبر که به نوعی با طبقات اجتماعی پایین جامعه مرتبط هستند، کمتر استفاده کنند. در حالیکه مردان در این جهت، یعنی در استفاده از صورت های غیر معتبر کمتر محافظه کاری نشان می دهند و بنابراین در به کارگیری و گسترش بدعت ها و یا ویژگی های زبانی غیر معتبر به طور کلی پیشرو هستند. شاید به همین علت است که برخی برای رفتار غیر زبانی طبقات اجتماعی پائین نوعی خصلت مردانه قائل هستند.» به قول لباو (1972: 303) چنین به نظر می رسد که نرخ پیشرفت یک تحول زبانی و نیز جهت آن به میزان قابل ملاحظه ای به حساسیت خاص زنان نسبت به آن بستگی دارد و این تفاوت های زبانی مردان و زنان به هر حال نقش مهمی در مکانیسم تحول زبانی بازی می کند.

زبان و جنسیت یا به تعبیر تخصصی تر زبانشناسی جنسیت است. عنوان «زبان و جنسیت» در ظاهر ساده است تا آنجا که ممکن است تصور شود، دیگر نیازی به پژوهش در این حوزه وجود ندارد. حتی علاقه مندان به این حوزه نیز به طور معمول به ذکر چند تفاوت مشهور (و بعضاً نادرست) بین کاربردهای زبانی دو جنس قناعت می کنند و موضوع به همینجا ختم می شود. از دیدگاه زبانشناسی پرداختن به تاثیر متغیر جنسیت بر زبان موجه و ضروری است چون زبانشناس را قادر به توصیف دقیق تر زبان می کند. از دیگر سو پژوهش در این موضوع از دیدگاه جامعه شناسی ضرورت می یابد چرا که راهی برای آگاهی از جایگاه جنسیت ها در جوامع و تاثیر متقابل آنها در شکل گیری ارتباط است. در واقع جامعه شناسان با کسب این نوع آگاهی ها زمینه را برای کار برنامه ریزان اجتماعی فراهم می آورند. تفاوت های اجتماعی به تفاوت های مربوط به طبقه اجتماعی - اقتصادی محدود نمی شود. این تفاوت ها ممکن است تابع جنسیت افراد نیز باشد.

از آنجایی که در این تحقیق به بررسی نقش دو متغیر جنسیت زبانی و تحصیلات بر گزینش واژگانی خواهیم پرداخت، در ابتدا به معرفی این دو متغیر می پردازیم:

## 1-2-1 تحصیلات

میزان تحصیلات گویندگان یک زبان با تفاوت های زبانی در آن جامعه زبانی همبستگی زیادی نشان می دهد. معمولاً همه گویندگان یک زبان در یک جامعه زبانی، چه تحصیل کرده و چه

بی سواد نسبت به گونه محاوره ای یا همان غیر رسمی ، اطلاعات کافی دارند. با این حال تفاوت‌های آوایی، واژگانی و دستوری زیادی میان گفتار افراد کم سواد ، بیسواد و با سواد وجود دارد. (پورجهان، 1379: 77)

برخی از محققین معتقدند که اصولاً نوع گفتار می تواند منعکس کننده درجه تحصیلات باشد. در عین حال تحصیلات یکی از شاخص های تعیین کننده طبقه اجتماعی افراد نیز هست و شاید از بقیه ملاکها مانند شغل ، میزان درآمد ، محل سکونت افرادو ... هم در تعیین طبقه اجتماعی آنان مهمتر باشد. در جامعه فارسی زبانان کاربرد برخی از صورتهای زبانی مانند قلف به جای قفل، سولاخ به جای سوراخ ، عسک به جای عکس و... نشان بی سوادی است . معمولا این صورتهای زبانی از اعتبار اجتماعی کمتری برخوردار هستند و در گفتار افراد تحصیلکرده یا عملاً به کار برده نمی شوند و یا اینکه بسامد وقوع بسیار پایینی دارند. (باطنی، 1374:33)، (مدرسی، 1368: 197)

مدرسی (199: 1368) همبستگی عامل تحصیلات را با کاربرد گونه محاوره ای فارسی در بین فارسی زبانان تهرانی مورد بررسی قرار داده است . وی در تحقیقاتش به وضوح نشان داده است که حذف /t/ و /d/ در خوشه های پایانی با میزان تحصیلات گویندگان ، رابطه نزدیکی دارد. وی معتقد است با کاهش سطح تحصیلات گویشوران ، بر میزان حذف /t/ و /d/ افزوده شده است . به طوری که در گروهی که پایین ترین سطح تحصیلات را بین بقیه دارند به حداکثر مقدار خود یعنی 75/2% رسیده است. از سوی دیگر مدرسی معتقد است که در یک جامعه زبانی هرچه درجه تحصیلات افراد بالاتر باشد، بخش غنی تر و وسیعتری از گنجینه زبانی در اختیار آنها قرار دارد. چراکه سخنوران دارای مدارج تحصیلی بالاتر علاوه بر گونه محاوره ای ، به گونه های سبکی رسمی تری هم تسلط دارند.

بی من (1986) در بررسی هایش بر اهمیت تاثیر عامل اجتماعی تحصیلات بر روی رفتارهای زبانی فارسی زبانان تاکید کرده است. وی اعتقاد دارد افراد دارای تحصیلات بالاتر ، رفتارهای زبانی معتبرتری از خود نشان می دهند.

طبق نتیجه گیری جبروتی (1379) در پایان نامه وی در زبان فارسی افزایش تحصیلات تأثیری در کاهش نابرابری های جنسیتی در زبان ندارد و مردان و زنان در جامعه فارسی زبان به ترتیب طبقات فرادست و فرودست زبانی محسوب می شوند. اما بر خلاف نتایج فوق به نظر می رسد که میزان کاربرد عبارات تبعیض آمیز به ویژه به طور صریح ، با افزایش تحصیلات رشد صعودی داشته است.

همانطور که نتایج برخی از پژوهش ها نیز نشان داده است ، میزان کاربرد هر ویژگی زبانی توسط افراد نسبی است و هیچگاه به طور مطلق نمی توان گفت که یک ویژگی زبانی تنها در گفتار افراد کم سواد و بی سواد مشاهده می شود و هرگز در گفتار هیچیک از افراد تحصیلکرده به چشم نمی خورد. باطنی در تأیید این مطالب می گوید: تا این اواخر به کار بردن اصطلاحات و جملات قصار عربی در گفتار ، نشانه فضل و تحصیل کردگی بود اما امروزه نشانه دو زبانه بودن و به طور غیر مستقیم نشان فضل و دانش است.(باطنی ، 1374: 33)

## 1-2-2 جنسیت

جنسیت نیز از جمله متغیر هایی است که جامعه شناسان زبان توجه خاصی به آن داشته اند. مدرسی (1368: 161) می گوید: « با آنکه عامل جنسیت در اصل جنبه بیولوژیکی دارد، اما از آنجا که زنان و مردان نقش های اجتماعی کاملاً یکسانی بر عهده ندارند، جنسیت را نیز معمولاً یک عامل اجتماعی به شمار آورده اند».

در میان عوامل غیر زبانی مانند طبقه اجتماعی ، سن ، تحصیلات ، سطح خانوادگی ، نژاد ، مذهب ، شغل محل تولد و .... جنسیت نقش مهمی را در بروز گوناگونی های زبانی دارد. در برخی از جوامع، این تفاوتها در اکثر حوزه های زبانی مانند نحوی ، واژگانی، آوایی و کاربردی به چشم می خورد. اما در برخی دیگر تفاوتها چندان آشکار نیست . فقط محدود به یکی از حوزه های زبانی است. به اعتقاد بعضی از پژوهشگران ، بیشترین تفاوت در برخی از زبانها در حوزه واژگان است.(باطنی ، 1370: 33)

در بسیاری از زبانها، واژه‌ها و اصطلاحات معینی وجود دارد که تنها از سوی یکی از دو جنس مورد استفاده قرار می‌گیرد و جنس دیگر یا کمتر آن را به کار می‌گیرد یا از کاربرد آن خودداری می‌کند. مانند اصطلاح «خدا مرگم بده»، که آن را زنانه می‌دانند، در برابر «چاکرم»، که آن را مردانه می‌دانند. (مدرسی، 1368: 163)

ترادگیل (1376) معتقد است که گفتار زنان محافظه کارانه تر از مردان است و اصولاً کاربرد گونه‌های «معیارتر و معتبرتر» یک خصلت زنانه محسوب می‌شود. «زبان گونه‌های جنسیتی» از جمله عنوانهایی است که ترادگیل (1983) در بحث زبان و جنسیت آن را مطرح می‌کند و وی اشاره کرده است که آن گونه‌های جنسیتی نتیجه طرز تلقی‌های اجتماعی مختلف نسبت به رفتار زنان و مردان و طرز تلقی‌هایی است که نهایتاً خود آنان به عنوان یا نماد اجتماعی دارند.

لباو (1972) در یک بررسی به نقش زنان در تغییر زبان اشاره کرده است که به اعتقاد وی در هر کجا که قشر بندی از نظر سبک و طبقه وجود دارد می‌توان انتظار وجود تفاوت زبانی بین زن و مرد را داشت به این معنا که زنان نسبت به مردان ارزش بیشتری برای گونه‌های ارجح قائل‌اند.

توماس ویرینگ<sup>11</sup> (2001: 80) در بحث رابطه زبان و جنسیت می‌گوید: ما با توجه به رنگ لباس‌هایی که بر تن نوزادان است سعی می‌کنیم جنسیت آنها را تشخیص دهیم حتی ما از ابزارها و امکاناتی که در محیط پیرامونمان وجود دارد کمک می‌گیریم تا جنس‌مان را با آن بنماییم. برای مثال مدل مو، سبک آرایش و غیره، وی معتقد است شاید زنان و مردان نیز با استفاده از سبک خاصی که در گفتارشان دارند، می‌خواهند جنسیت متفاوت خود را به اثبات برسانند.

لیکاف نیز در آثار مختلف خود به وجود سبک‌های متمایز جنسیتی یا به عبارت دیگر همان زبانگونه جنسیتی اشاره کرده است و از آن به عنوان گونه زبانی متأثر از جنسیت نام می‌برد.

---

<sup>11</sup> T.Wareing

لازم به ذکر است که در برخی از جوامع تفاوت‌های کلامی زنان و مردان منحصرأ جنسیت مدار است در حالیکه در بسیاری دیگر از کشورها مبحث « ترجیح جنسیتی » مطرح است. این به این معنی است که گویشوران تمایل به استفاده از صورتهای خاص زبانی دارند نه اجبار به کاربرد صورت خاص. (شاه ناصری، 1381: 65)

### 1- 3 اهمیت تحقیق

زبان‌شناسان با بررسی زبانهای گوناگون دریافتند که زنان به گونه ای متفاوت از مردان زبان را به کار می‌برند. این پژوهش‌ها نشان می‌داد که زنان معمولاً از ساختارهای کهنه تر و خالص تر و مودبانه تری از زبان را مورد استفاده قرار می‌دهند و در تلفظ کلمات زنان بیشتر از مردان از واج‌های معیار استفاده می‌کنند. مطالعات جامعه‌شناسی به مدد زبان‌شناسان آمد و نشان داد که زنان بیشتر از مردان نسبت به مقام و منزلت خود آگاه هستند. پژوهش‌های زبانی نیز بیانگر این بود که زنان نسبت به متغیرهای زبانی وابسته به طبقه اجتماعی حساسیت بیشتری دارند.

پدیده جنسیت در زبان هم از سوی زبان‌شناسان فمینیسم و هم غیرفمینیسم مورد مطالعه قرار گرفته است. با این تفاوت که زبان‌شناسان فمینیست پژوهش‌های خود را بیشتر به سوی کشف فرودستی زنان در زبان، تحلیل و رویارویی با آن جهت می‌دهند.

در جوامعی که روابط درون آن اندک اندک پیچیده شود و همگونی آنکه خاص جوامع ابتدایی است از بین برود، زبان واحد آن جامعه نیز به شکلهای مختلفی در می‌آید و به صورتهای مختلفی به کار می‌رود. گونه‌های اجتماعی زبان حاصل چنین سیری است. بنابراین شناخت این گونه‌ها و بررسی شکل و صورت آنها از تحقیقات ضروری در هر زبان است. در نظر ترادگیل (1983: 5-1) تقریباً در تمامی جوامع، زنان و مردان تمایل به کاربرد زبان به شیوه اندک متفاوتی دارند و حتی در بعضی جوامع گزارش شده است که زنان و مردان کاملاً متفاوت از یکدیگر سخن می‌گویند، اما در هر حال هر دو جنس می‌توانند کاملاً آزادانه با یکدیگر رابطه کلامی برقرار کنند و یکدیگر را درک کنند، در حقیقت این تفاوتها، گونه‌های متفاوت از یک زبان واحد است. آنچه از بررسی ویژگی‌های گفتاری زنان مشهود است، سازگاری و شباهت‌های مشخصه‌های گفتار آنان با هنجارهای معیار در جامعه است. به این

معنی که زنان سعی می کنند نه تنها در حیطه رفتار اجتماعی بلکه در حوزه رفتار زبانی نیز خود را به ویژگی های معیار اجتماعی نزدیک کنند.

از سوی دیگر با توجه به اهمیت رابطه بین حفظ و غنای زبان از یک سو و اصالت فرهنگی هر ملت از سوی دیگر لزوم پرداختن به مبحث واژه سازی و گزینش واژگانی نیز اهمیت بسیار چشمگیری دارد و تاثیر متغیر جنسیت زبانی بر روند واژه گزینی خالی از اهمیت نمی باشد. از این رو نگارنده به عنوان یک دانشجوی رشته زبانشناسی لزوم بررسی متغیر جنسیت را در گزینش واژگان عمومی فرهنگستان زبان و ادب فارسی حائز اهمیت دیده و بر تاثیر پذیری این متغیر بر روند واژه گزینی تاکید دارد.

## 1- 4 سوالات تحقیق

سوالات زیر در این تحقیق مطرح بوده است:

1. آیا متغیر جنسیت زبانی بر کاربرد واژگان معادل سازی شده در فرهنگستان زبان و ادب فارسی تاثیر دارد؟

2. نقش متغیر تحصیلات بر کاربرد واژگان معادل سازی شده چیست؟

3. میان این دو متغیر اجتماعی کدام یک تاثیرگذارتر می باشند؟

## 1- 5 فرضیه تحقیق

به فرضیه هایی که در پاسخ به پرسشهای بالا می توان اشاره کرد عبارتند از:

1. گزینش واژگان معادل سازی شده فرهنگستان توسط زنان می تواند نسبت به مردان تفاوت داشته باشد.



2. امکان تاثیر گذاری سطح تحصیلات در کنار متغیر جنسیت زبانی بر نوع گزینش واژگان معادل سازی شده فرهنگستان وجود دارد.

3. دو متغیر جنسیت زبانی و تحصیلات به یک میزان و آن هم به میزان چشمگیری در کاربرد واژگان عمومی فرهنگستان تاثیر گذار می باشند.

## 1-6 تعریف واژگان کلیدی

- زبان شناسی اجتماعی : بنا بر تعریف ترادگیل ، زبان شناسی اجتماعی بخشی از زبان شناسی است که زبان را به عنوان پدیده ای فرهنگی و اجتماعی در نظر می گیرد. زبان شناسی اجتماعی در زمینه زبان و جامعه به پژوهش می پردازد و با علوم اجتماعی به ویژه روانشناسی اجتماعی ، مردم شناسی ، جغرافیای انسانی و جامعه شناسی ارتباط نزدیکی دارد. در حقیقت زبان شناسی اجتماعی ، مطالعه زبان در بافت اجتماعی می باشد . (ترادگیل ، 1974 : 32)

- جامعه شناسی زبان : فیشمن معتقد است که زبان شناسی اجتماعی در واقع همان زبان شناسی است که در مطالعه زبان ، بافت اجتماعی و فرهنگی را نیز مورد توجه قرار می دهد اما جامعه شناسی زبان حوزه ای گسترده تر دارد و برخورد آن با زبان ، بیشتر جامعه شناختی است . (فیشمن<sup>12</sup> ، 1972 : 7)

- تصحیح افراطی : مطابق بررسی جامعه شناسان زبان ، در میان طبقات مختلف جامعه ، طبقه متوسط پایین نسبت به رفتار زبانی طبقات بالاتر حساسیت بیشتری نشان می دهد و بیش از سایر طبقات از ویژگی های زبانی آنها تقلید می کند . این گروه اجتماعی در این راه گاه تا آنجا پیش می رود که ویژگی های زبانی معتبر را ، حتی به میزان نسبی بیشتری از طبقات بالاتر به کار می گیرد . این پدیده ای است که تصحیح افراطی نامیده می شود . (مدرسی ، 1368 : 152)

---

<sup>12</sup> Fishman

- فرهنگستان: فرهنگستان در هر کشوری، سازمان و نهادی است که یا توسط دولت یا زیر نظر آن اداره می شود و واژه گزینی و یافتن معادل های مناسب برای لغات و اصطلاحات بیگانه یکی از وظایف مهم آن است.

- واژه: بر اساس تعریف ارائه شده توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه لفظی است که از یک یا چند جزء معنادار ساخته شده است و از لحاظ دستوری به یکی از مقوله های اسم یا ضمیر یا صفت یا قید یا فعل یا عدد یا حرف اضافه یا حرف ربط یا صوت تعلق دارد. چنین لفظی از نظر ساختمان ممکن است بسیط یا مشتق یا مرکب یا مشتق مرکب باشد و ممکن است در یکی از رشته های علمی و فنی و حرفه ای و هنری دارای تعریفی مشخص باشد. (ذکر شده در اصول واژه گزینی فرهنگستان، 1388)

- واژه گزینی: فرایندی است که در طی آن برای یک مفهوم مشخص علمی یا فنی یا حرفه ای یا هنری معمولاً یک و در مواردی بیش از یک لفظ برگزیده یا ساخته می شود (ذکر شده در اصول واژه گزینی فرهنگستان، 1388)

-جنسیت: در بررسی ها روی جنسیت باید بین جنس و جنسیت تمایز قائل شویم. جنس به تفاوت های فیزیکی مردان و زنان اشاره می کند در حالیکه جنسیت به تفاوت های روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می شود. (پاک نهاد، 1379: 5)

## 7-1 محدودیت های تحقیق

زبان شناسان معتقدند، زبان مانند یک موجود زنده، دائماً در حال تغییر و تحول است به همین دلیل پژوهش هایی که در حوزه زبان صورت می گیرد به آن زمان خاص تعلق دارد و قابل تعمیم به زمان دیگر نیست. تحقیق حاضر نیز از این امر مستثنی نیست. این پژوهش به علت استفاده از واژگان معادل سازی شده توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی در باب جامعه فارسی زبانان قابل تعمیم است نه جوامع دیگر. مفهوم جنسیت یک مفهوم ایستا نیست که در طول زمان و از جامعه ای به جامعه دیگر (به بیان دقیق تر از یک شبکه

اجتماعی به شبکه اجتماعی دیگر) ثابت و یکسان باقی بماند. که این اصل، تحقیق در باب جنسیت را دشوار می کند.

از دیگر محدودیت ها می توان به کمبود کتب مرجع و عدم همکاری کتابخانه ها در یاری رساندن به پژوهشگر اشاره نمود که باعث کند شدن روند بررسی ها شده بود. همچنین استفاده از کتابخانه و امکانات فرهنگستان چندان آسان و بدون محدودیت نبوده است . از سوی دیگر در بخش پژوهش های میدانی داده های این تحقیق توسط پرسشنامه گردآوری شده است که یافتن نمونه تصادفی که حاضر به همکاری در این مهم باشد ، مشقت فراوانی را به همراه داشته است . ترغیب کردن نمونه به تکمیل پرسشنامه توأم با دقت و شکیبایی فراوان بوده است که از همکاری تمامی این عزیزان کمال تشکر را دارم.

## فصل 2

### پیشینه تحقیق